

کتابخانه اصول

مقدمه

مفاهیم

خاتمه

- ۱. تعاریف
- ۲. مفاهیم
- ۳. غام و خاص
- ۴. مطلق و مقید
- ۵. لغات
- ۶. اصول عملیه
- ۷. تعارض ادله

- فصل اول ماده امر
- فصل دوم صیغه امر

- میجت اول موضوع له صیغه امر
- میجت دوم وضع صیغه امر بر وجوب
- میجت سوم جمله خبریه در مقام طلب
- میجت چهارم ظهور در وجوب
- میجت پنجم تعدی و توصی
- میجت ششم معنای اطلاق صیغه در نوع وجوب
- میجت هفتم امر عقیب حظر یا توهم آن
- میجت هشتم مره و تکرار
- میجت نهم غیر و تراخی

«الایمان بالمأمور به علی وجه یقتضی الاجزاء فی الجملة»

**تغویر بحث**

**اول مراد از «علی وجه»**

منظور از «علی وجه» یعنی مأمور به را به گونه ای بیابری که شرح و عقل گفته است

منظور از «وجه» قصد وجه هم نیست زیرا عمده آن را شرط نمی دانند و مخصوص باب عبادات هم فقط هست در جایی که بحث در توضیحات هم مطرح است

**دوم مراد از «اقتضا»**

مراد از اقتضا در اینجا اقتضا به نحو علیت است نه به نحو دلالت فلذا اقتضا ایجاب مطرح است نه اقتضای صیغه امر

اشکال اقتضا فقط در اجزاء امر در امر خودش اقتضای علی است اولی در اجزای امر دیگر اجزای امر اضطراری و ظاهری از امر واقعی اقتضا دلالتی است زیرا در اجزای امر اضطراری و ظاهری از امر واقعی بحث از دلالت ادله این دوست که آیا مفید اجزاء هست یا نه؟

آخوند بله ولی دلیل ندارد اقتضای علی در این اضطراری و ظاهری مطرح نبوده فایده امر این است که عمده اختلاف در دلالت است یعنی در صغری حکم عقل به اجزاء به خلاف بحث در اجزاء هر امر از امر خودش که بحث فقط کیروی است

**سوم مراد از اجزاء**

در اینجا اجزاء به همان معنای لغوی خودش یعنی «کلیات» استعمال شده است ، هر چند لازمه کلیات در اتیان امر واقعی «واجب نبودن تعدد دوباره» و در اتیان امر ظاهری و اضطراری «واجب نبودن قضا» است

**چهارم فرق این مسأله و مسأله مره و تکرار**

بحث در مره و تکرار «تیسین مأمور به» است یعنی می خواهیم بیستیم صیغه امر دلالت بر مره یا تکرار دارد یا نه ، ولی در اینجا می خواهیم بیستیم این مأمور به اگر با تمام شرایط آورده شد ، عقل به دوباره آوردن حکم می کند یا خیر

بسته در مقام عمل عدم اجزاء همان تکرار است ولی ملاکشان متفاوت است

بحث در بحث «حیثیت اذا از قضا» هم بحث از دلالت صیغه بر تعین است

قضا اتیان مأمور به واقعی از امر واقعی و اتیان مأمور به اضطراری از امر اضطراری و اتیان مأمور به ظاهری از امر ظاهری مجزی است زیرا عقل حکم می کند بعد از اتیان مأمور به محالی برای تعدد دوباره به آن نیست زیرا دیگر امری نیست که بخواید تعدد به آن تصویر شود

موضع اول اجزاء هر امر از امر خودش

اگر تکلف بداند که فرض مولا هنوز باقیست می تواند تبدیل کند(یعنی فعلی دیگر استعمال نماید و این اتیان دوباره استعمال باشد) ولی نمی تواند هر دو استعمال باشد مثلا مولا امر کند که آب بیاز تا تشنگی را رفع کند و بعد آب را بیازد ولی مولا نخورد در اینجا تبدیل جایز بلکه اگر بداند مأمور به را بین رفته و فرض حاصل نشده است(مثلا آب بر زمین ریخته) واجب است

**بسته**

و اگر اتیان مأمور به علت تامة حصول فرض باشد نمی تواند تبدیل کند زیرا دیگر فرضی نیست که مأمور بهی باشد مثلا مولا گفته آب را در دهان بریز و فرض مولا که دفع تشنگی بوده یا مأمور به (ریختن آب در دهان) حاصل شده است

و اگر نداند که مأمور به علت تامة است یا نه می تواند تبدیل کند به احتمال علت تامة نبودن

موضع دوم اجزاء مأمور به غیر واقعی از واقعی

- فصل چهارم مقدمه واجب
- فصل پنجم مسأله عند
- فصل ششم امر به شی یا علم به انتفاء شرط آن
- فصل هفتم متعلق اوامر و نواهی
- فصل هشتم نسخ وجوب
- فصل نهم واجب تخییری
- فصل دهم واجب کلی
- فصل یازدهم واجب موقت و مومع
- فصل دوازدهم امر به امر
- فصل سیزدهم امر بعد از امر

۵۵

۱